

## **The Role of Difficulty in Emotion Regulation and Negative Automatic Thoughts in Conflict Resolution Tactics of male high school students with Parents**

**Farideh Sadat Hosseini\***

Assistant Professor of Psychology, Faculty of Humanities, Persian Gulf University, Bushehr, Iran

**Farzad Karimi**

Student Master of Science (MSc) in Psychology, Faculty of Humanities, Persian Gulf University, Bushehr, Iran

**Mohsen Nazpour**

Master of Science (MSc) in Psychology, Faculty of Humanities, Persian Gulf University, Bushehr, Iran

### **Abstract:**

The aim of this study was to determine the role of difficulties in emotion regulation as an emotional factor and negative automatic thoughts as a cognitive factor in conflict resolution tactics of male high school students with parents. The sample included 128 of secondary school students who were selected via random cluster sampling from Bushehr schools. Then the Difficulties in Emotion Regulation Scale, Negative Automatic Thoughts Questionnaire and Conflict Resolution Tactics Scale were administered to the subjects. The results of stepwise regression analyses showed that lack of emotional clarity had an important role in conflict resolution tactics: arguments with father and mother. Personal incompatibility was important in conflict resolution tactics: verbal aggression. Also, personal incompatibility, lack of emotional awareness and impulse control difficulties could predict conflict resolution tactics, physical aggression with father and mothers, and verbal aggression with mother. According to the finding of this research, both cognitive and emotional factors have important roles in prediction of adolescent conflict resolution tactics with parents. In this regard, the role of the emotional factor was highlighted. The results were discussed with regard to the past literature.

**Keywords:** difficulty in emotion regulation, negative automatic thought, conflict resolution tactics, male high school students, parent- adolescent relationship

---

\* fsadathoseini@yahoo.com

پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری (علمی - پژوهشی)

سال هشتم، شماره اول، پیاپی (۱۴)، بهار و تابستان ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۷/۱۱/۱۷ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۷

صص: ۹۴-۷۷

## نقش دشواری در تنظیم هیجان و افکار خودآیند منفی در تاکتیک‌های حل تعارض دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول با والدین

فریده سادات حسینی<sup>۱\*</sup>، فرزاد کریمی<sup>۲</sup>، محسن نظرپور<sup>۳</sup>

۱. استادیار روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

fsadathoseini@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

karimi.taha33@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

nazarpour2015@yahoo.com

### چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی نقش دشواری در تنظیم هیجان به عنوان عامل عاطفی و افکار خودآیند منفی به عنوان عامل شناختی در تاکتیک‌های حل تعارض نوجوان با والدین است. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۲۸ دانش‌آموز پسر مقطع متوسطه اول بودند که از میان مدارس مختلف شهر بوشهر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی مرحله‌ای انتخاب شدند و مقیاس‌های دشواری در تنظیم هیجان، افکار خودآیند منفی و تاکتیک‌های حل تعارض نوجوان و والدین را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل رگرسیون چند متغیری و شیوه گام‌به‌گام تحلیل گردید. نتایج نشان داد که استدلال نسبت به پدر و مادر از طریق عدم وضوح هیجانی، پرخاشگری کلامی نسبت به پدر از طریق ناسازگاری شخصی، پرخاشگری کلامی نسبت به مادر از طریق ناسازگاری شخصی، فقدان آگاهی هیجانی و دشواری در کنترل تکانه، پرخاشگری فیزیکی نسبت به پدر و مادر به ترتیب از طریق ناسازگاری شخصی، دشواری در کنترل تکانه و فقدان آگاهی هیجانی قابل پیش‌بینی بودند. بر طبق یافته‌های پژوهش باید گفت هم عوامل مرتبط با دشواری‌های فرد در تنظیم هیجانی و هم عوامل مرتبط با باورهای و افکار غیرمنطقی در بروز تعارض میان والدین و نوجوانان نقش ایفا می‌کنند که در این میان، نقش دشواری در تنظیم هیجان پررنگ‌تر است. نتایج در راستای مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

**واژه‌های کلیدی:** دشواری در تنظیم هیجان، افکار خودآیند منفی، تاکتیک حل تعارض، نوجوانی، روابط نوجوان-والدین، دانش‌آموزان پسر، مقطع متوسطه اول.

## مقدمه

در طول دوره نوجوانی رابطه عمودی والدین به تدریج به رابطه افقی تبدیل می‌شود (وان دورن و همکاران،<sup>۶</sup> ۲۰۱۱). رابطه افقی ممکن است به افزایش تعارضات میان نوجوان و والدین منجر شود و این امر برای هر دو طرف موجب نگرانی است (قمری و قمری گندوانی،<sup>۱۳۹۳</sup>). تعارض در این دوره بخش معمول روابط والدین و فرزندان است؛ اما وجود تعارضات کمتر لازمه تصمیم‌گیری بهتر و استقلال نوجوانان است (مود و همکاران،<sup>۷</sup> ۲۰۱۵). اگر این تعارضات بیش از اندازه باشد، ممکن است والدین، کودکان مسئول و همکاری‌کننده خود را متخاصم و مخرب و فرزندان، والدین خود را غیرمنطقی و کنترل‌کننده بدانند (قمری و قمری گندوانی،<sup>۱۳۹۳</sup>)؛ به صورتی که سطوح بالای تعارض والدین و نوجوانان به مشکلاتی از جمله افسردگی در نوجوانان و بازگشت آن در جوانی، رفتارهای نامقبول، اختلالات رفتاری و سلوک، اضطراب و مشکلات عزت نفس می‌انجامد (اسدی و همکاران،<sup>۱۳۹۴</sup>).

در همین زمینه مرادی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داده‌اند تعارضات مبتنی بر پرخاشگری کلامی و فیزیکی با سلامت روان شناختی ارتباطی معکوس دارد. در واقع زمانی که بین نوجوان و والدین تعارض رخ می‌دهد، نحوه رویارویی ممکن است بر سه محور مختلف پیش رود. نحوه رفتار فرد در محیط خانواده در شرایط بروز تعارض ممکن است مبتنی بر رویکرد سازنده حل تعارض باشد؛ به این معنا که فرد سعی کند با استدلال، تعارض و اختلاف نظر خود را مطرح کند یا اینکه فرد از رویکرد غیرسازنده، مانند پرخاشگری و خشونت، در بروز اختلافات و

نوجوانی دوره‌ای از زندگی است که با تغییراتی در بلوغ شروع می‌شود و به پایان می‌رسد (دومنث هیل،<sup>۱</sup> ۲۰۱۵). وابستگی‌های کودکانه به والدین و دستیابی به استقلال و شکوفایی (شفیعی، ۱۳۹۱) تغییراتی است که در ارتباط مادر و نوجوان به وجود می‌آید (واندرگیسن و همکاران،<sup>۲</sup> ۲۰۱۴). نوجوانی در واقع دوره تغییرات سریع بیولوژیکی و روانی-اجتماعی است که تأثیر برجسته‌ای بر ارتباطات والد-فرزندی دارد (برانج،<sup>۳</sup> ۲۰۱۸). این تغییرات ممکن است تعارضاتی میان نوجوانان و والدین به وجود آورد. تعارضات ذکرشده تا زمانی که به نتایج نامناسب منجر نشود، امری طبیعی محسوب می‌شود (ماروسی،<sup>۴</sup> ۲۰۱۶). از اوایل تا اواسط این دوره، نوجوانان بیشترین اختلاف را با والدین خود دارند و هنگامی که به تدریج پخته می‌شوند، این اختلافات کم می‌شود (اکبری زردخانه و محمودی، ۱۳۹۴). با وجود این، تعارض نوجوان و والدین باعث ایجاد شکوه‌های مختلفی در این دوره می‌شود (نصیری و همکاران، ۱۳۸۰). حدود ۸۰ درصد والدین، نوجوانان خود را ناسازگار می‌دانند (برجعی، ۱۳۹۲). نوجوانان در طول این دوره، معمولاً زمان کمتری را با خانواده و زمان بیشتری را با همسالان بیرون از خانه می‌گذرانند. بسیاری از نظریه‌ها مانند روان‌تحلیلی، دیدگاه‌های شناختی-اجتماعی و تکاملی معتقدند علت ایجاد تعارضات نوجوانان با والدین، افزایش خودمختاری و فردیت‌گرایی در طول دوره نوجوانی است (دگود و همکاران،<sup>۵</sup> ۲۰۰۹).

<sup>1</sup> Dumontheil<sup>2</sup> Van der Giessen et al<sup>3</sup> Branje<sup>4</sup> Marici<sup>5</sup> De Goede et al<sup>6</sup> Van Doorn et al<sup>7</sup> Moed et al

تعارض‌ها بهره‌بردار؛ به این ترتیب که به پرخاشگری کلامی یا پرخاشگری فیزیکی روی آورد. به طور مثال دختران در هنگام بروز تعارض با والدین از استدلال مبتنی بر توجیحات روان‌شناختی استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که پسران از استدلال مبتنی بر توجیحات میان‌فردی بهره می‌برند (یو و اسمیتانا،<sup>۱</sup> ۲۰۰۳).

همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، نوجوانی دوره انتقال روان‌شناختی و آسیب‌پذیری است. این دوره از رشد با تغییرات زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی مهمی مشخص شده است؛ بنابراین عجیب نیست با ازدیاد چالش‌ها و رویدادهای منفی زندگی همراه شود و هیجان‌ات منفی و آشفتگی را افزایش دهد (فلاین،<sup>۲</sup> ۲۰۱۶). در این زمینه نقص در تنظیم هیجان، عاملی کلیدی برای کارکردهای فرد و رشد اجتماعی نوجوانان محسوب می‌شود. گراتز و روئمر<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) در این باره شش دشواری در تنظیم هیجان شامل نپذیرفتن پاسخ هیجانی، دشواری در انجام رفتار هدفمند، دشواری در کنترل تکانه، فقدان آگاهی هیجانی، دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجانی و نداشتن وضوح هیجانی را مطرح کردند. دشواری در تنظیم هیجان می‌تواند به صورت گسترده‌ای بر روابط نوجوان-والد تأثیر بگذارد؛ بنابراین کمک به نوجوانان برای مدیریت تعارض‌ها به صورتی سازگارانه تکلیف رشدی مهمی برای نوجوانان به شمار می‌رود و با کارکرد روانی-اجتماعی آنها مرتبط است (استاتس و همکاران،<sup>۴</sup> ۲۰۱۸).

به‌طورکلی تحقیقات فراتحلیلی در این زمینه نشان داده‌اند تنظیم هیجان عاملی مهم در بهبود ارتقای سلامت روان و بهزیستی نوجوانان (کمپاس و همکاران،<sup>۵</sup> ۲۰۱۷) و دشواری در تنظیم هیجان عاملی کلیدی در آسیب‌شناسی روانی محسوب می‌شود (شافر و همکاران،<sup>۶</sup> ۲۰۱۷). افرادی که ناتوانی یا دشواری در تنظیم هیجان را تجربه می‌کنند، بیشتر در معرض مشکلات بین‌شخصی قرار می‌گیرند (زاهد و همکاران،<sup>۷</sup> ۱۳۸۹). این افراد برای اجتناب از تجربه‌های هیجانی غالباً تلاش‌های ناموفقی دارند. تشدید و خنثی‌سازی، دو نمونه از دشواری‌های تنظیم هیجان به شمار می‌روند که مانع از پردازش‌های هیجانی می‌شوند و بخشی از سبک‌های مقابله‌ای اجتنابی در مقابل والدین به حساب می‌آیند. در تشدید هیجان، هیجان به صورت مزاحم و ناخواسته تجربه می‌شود و خنثی‌سازی مواردی مانند دگرسان‌بینی خود یا محیط را در بر می‌گیرد (مظلوم و همکاران،<sup>۸</sup> ۱۳۹۳). دشواری در تنظیم هیجان ممکن است به صورت گسترده‌ای بر روابط نوجوان-والد تأثیر بگذارد. درواقع ظرفیت و توانایی تنظیم رفتارهای هیجانی فرزندان بر رفتارهای والدین با آنها تأثیر دارد؛ ازاین‌رو کیفیت روابط والد-فرزند با چگونگی تنظیم هیجان در فرزند ارتباط متقابل و دوسویه‌ای دارد (کیل و کالمویریس،<sup>۹</sup> ۲۰۱۵). این تأثیر، بالعکس هم هست.

مروری بر شواهد تحقیقاتی این حیطه نشان می‌دهد نقص در تنظیم هیجان علاوه بر نقشی که در آسیب‌شناسی روانی فردی دارد، می‌تواند به‌منزله

<sup>۵</sup> Compas et al

<sup>۶</sup> Schäfer et al

<sup>۷</sup> Kiel & Kalomiris

<sup>۱</sup> Yau & Smetana

<sup>۲</sup> Flynn

<sup>۳</sup> Gratz & Roemer

<sup>۴</sup> Staats et al

عاملی مهمی در بافت خانواده و روابط نوجوان-والدین هم در نظر گرفته شود. در این زمینه عسگری و صفرزاده (۱۳۹۳) نشان دادند تنظیم هیجان در ارتباط نوجوان-والدین نقش مؤثری دارد. آنها به این نتیجه رسیدند که تنظیم مناسب هیجان، پیش‌بینی‌کننده راهبرد حل تعارض استدلال و تنظیم نامناسب هیجان، پیش‌بینی‌کننده پرخاشگری کلامی است. رودریگز و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) نیز در تحقیقی نشان دادند تنظیم هیجان تا حدودی ارتباط بین استرس و پرخاشگری در رابطه والد-فرزند را میانجیگری می‌کند.

از سوی دیگر یکی از عوامل مؤثر بر تعامل نوجوانان با والدین، باورها و تفکرات منفی و غیرمنطقی نوجوان است که نقش مؤثری در تعارضات و شیوه‌های ابراز آنها دارد. تفکرات مذکور به باورهای غیرمنطقی گذشته فرد اشاره دارند که هیجان‌های منفی درباره افراد را در بر می‌گیرند؛ بدون اینکه دارای منطق خاصی در شرایط معین باشند (اوزر و اگگون،<sup>۲</sup> ۲۰۱۵). در صورت تداوم این باورها، افکار خودآیند منفی<sup>۳</sup> شکل می‌گیرند که بر هیجان‌ها و عواطف فرد تأثیرگذارند و به ایجاد رفتارها و عواطف نامناسب منجر می‌شوند (سالار و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع تعامل بین باور ناکارآمد و رخدادهای منفی زندگی، تفکرات خودآیند منفی درباره خود، جهان و آینده را ممکن می‌کند (سنورمانسی و همکاران،<sup>۴</sup> ۲۰۱۴). بک<sup>۵</sup> (۱۹۸۳) معتقد است افکار خودآیند منفی در اثر رخدادهای استرس‌زای زندگی به وجود می‌آیند و پیامدهای

سوگیری پردازش اطلاعات شخصی محسوب می‌شوند. در این باره دو و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۵) معتقدند افکار خودآیند منفی از شکست در پاسخ دادن به استرس‌های زندگی ناشی می‌شوند. به نظر می‌رسد تعامل این افکار با مشکلات دوره نوجوانی سبب‌ساز افزایش ناسازگاری‌هایی مانند تعارض با والدین می‌شود. این امر می‌تواند به دلایل مختلفی رخ دهد. وجود این باورها زمینه‌ساز ایجاد اهمال و ضعف در عملکرد تحصیلی نوجوانان می‌شود (حصار و همکاران، ۱۳۹۳)؛ علاوه بر این، تحقیقات نشان می‌دهند افکار خودآیند منفی عاملی مهم در ایجاد برخی از اختلالات روان‌پزشکی، همچون افسردگی و اضطراب، است (همدال و همکاران،<sup>۷</sup> ۲۰۱۳). همه این عوامل می‌توانند در تعامل با هم باعث بروز تعارض و نقص در ارتباط والد-نوجوان شوند؛ علاوه بر این، شیوه‌های حل تعارض نیز تا حد زیادی رفتار افراد را تعیین می‌کنند. در این زمینه ضرغام بروجنی و همکاران (۱۳۸۰) نشان داده‌اند شیوع افسردگی و افکار منجر به خودکشی در نوجوانانی بیشتر دیده می‌شود که رفتار والدین آنها سخت‌گیرانه‌تر است و زمانی که رابطه نوجوان-والد عاطفی‌تر باشد، میزان افسردگی و افکار خودکشی در نوجوانان کاهش پیدا می‌کند.

تحقیقات بسیاری صورت گرفته است که نشان می‌دهند دشواری در تنظیم هیجان و افکار خودآیند منفی عواملی مؤثر بر سلامت نوجوان و همچنین عملکرد اجتماعی و خانوادگی او به شمار می‌روند؛ باین حال تاکنون در زمینه بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های هیجانی و شناختی نوجوانان با شیوه‌های

<sup>1</sup> Rodriguez et al

<sup>2</sup> Ozer & Akgun

<sup>3</sup> Negative Automatic Thoughts

<sup>4</sup> Şenormancı et al

<sup>5</sup> Beck

<sup>6</sup> Du et al

<sup>7</sup> Hjemdal et al

مختلف شهر بوشهر، چهار منطقه و از بین این چهار منطقه، چهار مدرسه انتخاب شده‌اند.

### ابزارهای اندازه‌گیری

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از مقیاس‌های اندازه‌گیری به شرح ذیل استفاده شده است:

**مقیاس دشواری در تنظیم هیجان:** این مقیاس یک ابزار ۳۶ آیتمی است که گراتز و روئمر (۲۰۰۴) آن را برای ارزیابی دشواری در تنظیم هیجان ساخته‌اند. این مقیاس شامل شش زیرمؤلفه‌ی عدم پذیرش پاسخ هیجانی (۱۱، ۱۲، ۲۱، ۲۳، ۲۵ و ۲۹)، دشواری در انجام رفتار هدفمند (۱۳، ۱۸، ۲۰ و ۲۶)، دشواری در کنترل تکانه (۳، ۱۴، ۱۹، ۲۷ و ۳۳)، فقدان آگاهی هیجانی (۲، ۶، ۸، ۱۰، ۱۷ و ۳۴)، دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجانی (۱۵، ۱۶، ۲۲، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۵ و ۳۶) و عدم وضوح هیجانی (۱، ۴، ۵، ۷ و ۹) است که سؤالات ۱، ۲، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۴ و ۶۴ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نحوه‌ی پاسخ‌دهی به این مقیاس براساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (تقریباً هرگز=۱ تا تقریباً همیشه=۵) است. اجرای این مقیاس برای نوجوانان و بزرگسالان امکان‌پذیر است (خانزاده و همکاران، ۱۳۹۱) و در تحقیقات مختلف در نمونه‌های مختلف از نوجوانان تا بزرگسالان به کار گرفته شده است؛ به‌طور مثال امیریان و همکاران (۱۳۹۷) این مقیاس را در بزرگسالان و سپهریان آذر و همکاران (۱۳۹۳) این مقیاس را در نوجوانان اجرا کرده‌اند.

بررسی‌های سازندگان، پایایی این مقیاس را براساس بازآزمایی، ۰/۸۸ و همسانی درونی مقیاس را براساس آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۳ و برای

حل تعارض آنها با والدین تحقیق جامعی انجام نشده است و پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه پراکنده و نامنسجم‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند زمینه‌ساز مداخلات مثبتی در زمینه بهبود عملکرد خانواده و ارتقای سلامت روانی نوجوانان و حتی والدین آنها شود. بر همین اساس باتوجه‌به نقشی که دشواری در تنظیم هیجان در ارتباط بین شخصی (و تعارض در روابط) افراد ایفا می‌کند (آلدائو و همکاران،<sup>۱</sup> ۲۰۱۰) و نقشی که افکار خودآیند منفی در درک فرد از خود، جهان و آینده دارد، همچنین با در نظر گرفتن تغییرات شدیدی که نوجوان با آن مواجه است، این پژوهش سعی دارد نقش دشواری در تنظیم هیجانی و افکار خودآیند منفی را در تاکتیک‌هایی که نوجوان برای حل تعارض با والدین به کار می‌گیرد، بررسی کند.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی به شیوه هم‌بستگی است.

### نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش، دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهر بوشهرند که در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ مشغول به تحصیل بوده‌اند. برآورد حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان انجام شده است؛ به این ترتیب از بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهر بوشهر تعداد ۱۲۸ نفر از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. مراحل نمونه‌گیری به این صورت است که از میان مناطق

<sup>1</sup> Aldao et al

خرده‌مقیاس‌های استدلال ۰/۷۰، پرخاشگری کلامی ۰/۷۴ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۱ به دست آورده است؛ همچنین در بررسی شواهد روان‌سنجی در جمعیت ایران، زابلی و همکاران (۱۳۸۴) پایایی پرسش‌نامه تعارض با والدین را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۷۴ و برای خرده‌مقیاس‌های استدلال ۰/۵۸، پرخاشگری کلامی ۰/۶۵ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند. روایی محتوایی این مقیاس در پژوهش حاضر نیز تأیید شده است (زابلی و همکاران، ۱۳۸۴). در این مطالعه پایایی کل این آزمون از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و پایایی خرده‌مقیاس‌های استدلال ۰/۷۱، پرخاشگری کلامی ۰/۸۵ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۹ به دست آمده است.

**پرسش‌نامه افکار خودآیند منفی:** این پرسش‌نامه را هالان و کندال<sup>۲</sup> (۱۹۸۰) ساخته‌اند و شامل سی گویه برای ارزیابی فراوانی اظهارات خودآیند منفی درباره خود است که چهار جنبه افکار خودآیند منفی، شامل ناسازگاری شخصی و تمایل به تغییر (گویه‌های ۷، ۱۰، ۱۴، ۲۰ و ۲۶)، خودپنداشت منفی و انتظارات منفی (گویه‌های ۲، ۳، ۹، ۲۱، ۲۳، ۲۴ و ۲۸)، کمبود اعتمادبه‌نفس (گویه‌های ۱۷ و ۱۸) و ناامیدی (گویه‌های ۲۹ و ۳۰)، را براساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای ارزیابی می‌کند. این مقیاس برای اجرا روی نوجوانان و بزرگسالان مناسب است. مثلاً صادقی و همکاران (۱۳۹۶) این مقیاس را روی بزرگسالان و کرمی (۱۳۹۷) آن را برای نوجوانان اجرا کرده‌اند.

فیسچر و کورکوران<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) پایایی این پرسش‌نامه را روی نمونه‌ای مرکب از ۳۱۲ دانشجو بررسی کردند که میانگین سنی آنها ۲۲-۲۰ سال بوده

خرده‌مقیاس‌ها بیشتر از ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند. برای بررسی روایی مقیاس دشواری در تنظیم هیجانی آدامز<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) نشان داده است زیرمقیاس‌های دشواری در تنظیم هیجانی با مقیاس افسردگی و فهرست اختلال استرس پس از سانحه ارتباط مثبت و معنادار و با زیرمقیاس‌های رگه‌های فرااخلاقی ارتباط منفی دارد. در بررسی ساختار عاملی و ویژگی روان‌سنجی مقیاس دشواری برای نظم‌بخشی هیجانی در جمعیت ایران که خانزاده و همکاران (۱۳۹۱) روی دانشجویان دانشگاه شیراز اجرا کرده‌اند، ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌ها بین ۰/۸۶ تا ۰/۸۸ و ضریب پایایی بازآزمایی پس از یک هفته بازآزمون بین ۰/۷۹ تا ۰/۹۱ در نوسان بوده است؛ همچنین روایی این آزمون با استفاده از تحلیل عاملی در پژوهش خانزاده و همکاران (۱۳۹۱) بررسی شده که تأییدکننده روایی سازه، هم‌گرا و تشخیص افتراقی است. در پژوهش حاضر میزان پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده که برای مؤلفه‌ها در دامنه‌ای از ۰/۶۷ تا ۰/۷۲ و برای مقیاس کل ۰/۷۸ به دست آمده است.

### مقیاس تاکتیک‌های حل تعارض نوجوان با

**والدین:** این مقیاس را اشترواس (۱۹۹۰) ساخته است و شامل پانزده گویه برای سنجش روابط بین اعضای خانواده و سه تاکتیک حل تعارض استدلال (گویه‌های یک تا پنج)، پرخاشگری کلامی (گویه‌های پنج تا ده) و پرخاشگری فیزیکی (گویه‌های ده تا پانزده) می‌شود. این مقیاس را می‌توان درباره نوجوانان اجرا کرد (پناغی و همکاران، ۱۳۹۰)؛ برای مثال کرمی و همکاران (۱۳۹۲) مقیاس مذکور را برای نوجوانان به کار گرفته‌اند. اشترواس (۱۹۹۰) پایایی این پرسش‌نامه را برای کل آزمون ۰/۷۸، برای

<sup>۲</sup> Holon & Kendall

<sup>۳</sup> Fischer & Corcoran

<sup>۱</sup> Adams

اعتماد به نفس کم ۰/۷۰ و ناامیدی ۰/۶۱ برآورد شده است.

#### یافته‌ها

میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۱۴/۰۳ با انحراف معیار ۰/۸۵ است. ۳۲/۸۱ درصد (۴۲ نفر) در پایه هفتم، ۳۱/۲۵ درصد (۴۰ نفر) پایه هشتم و ۳۵/۹۴ درصد (۴۶ نفر) در پایه نهم مشغول به تحصیل بودند.

جدول شماره ۱ شاخص‌های توصیفی مربوط به زیرمقیاس‌های پژوهش، تاکتیک‌های حل تعارض نوجوان و والدین، دشواری در تنظیم هیجان و افکار منفی خودآیند را نشان می‌دهد.

است؛ این نمونه از آزمودنی‌ها به صورت افسرده یا غیرافسرده براساس پرسش‌نامه افسردگی بک و MMPI نمره میانگین پرسش‌نامه افکار منفی خودآیند در نمونه افسرده ۷۹/۶۴ با انحراف معیار ۲۲/۲۹ و در نمونه غیرافسرده ۵۷/۴۸ با انحراف معیار ۱۰/۸۹ بوده و ثبات درونی بسیار خوبی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۷ داشته است. در نمونه ایرانی، کیمیایی (۱۳۸۱) ثبات درونی این پرسش‌نامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ گزارش کرده است. در مطالعه گل‌پرور و جوادی (۱۳۸۵) روایی صوری و محتوایی این مقیاس تأیید شده است. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۴، مؤلفه‌های ناسازگاری شخصی ۰/۷۱، خودپنداشت و انتظار منفی ۰/۸۲

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار زیرمقیاس‌های پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	متغیر	میانگین	انحراف معیار
استدلال مادر	۱۱/۸۷	۵/۴۴	دشواری در کنترل نگاه	۱۴/۸۵	۴/۴۶
استدلال پدر	۱۱/۴۸	۵/۹۲	علم و وضوح هیجانی	۱۲/۷۵	۳/۱۶
استدلال کل	۳۳/۲۵	۹/۹۷	دسترسی مخلود به راهبردها	۱۸/۹۷	۵/۹۴
پرخاشگری کلامی مادر	۴/۵۲	۴/۷۰	فقدان آگاهی هیجانی	۱۸/۱۰	۵/۱۳
پرخاشگری کلامی پدر	۳/۹۰	۴/۶۶	دشواری در رفتار هلمند	۱۳/۵۱	۳/۶۲
پرخاشگری کل	۸/۵۳	۸/۹۰	علم پذیرش پلسخ هیجانی	۱۴/۷۵	۵/۲۸
پرخاشگری فیزیکی مادر	۱/۶۴	۳/۸۹	ناسازگاری شخصی	۶/۱۲	۴/۶۷
پرخاشگری فیزیکی پدر	۱/۶۴	۳/۴۹	خودپنداشت منفی	۶/۱۱	۵/۷۰
پرخاشگری فیزیکی کل	۳/۲۸	۷/۱۱	اعتماد به نفس کم	۱/۸۷	۲/۶۰
			ناامیدی	۲/۱۰	۲/۳۰
			افکار خودآیند منفی	۳۰/۶۲	۳۳/۵۳

تاکتیک‌های حل تعارض با افکار منفی خودآیند و دشواری در تنظیم هیجانی را نشان می‌دهد.

قبل از انجام تحلیل رگرسیون، الگوی روابط متغیرها با ماتریس هم‌بستگی بررسی شده است، جدول شماره ۲ نتایج روابط هم‌بستگی بین

جدول ۲. ضریب هم‌بستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

زیرمقیاس	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	
۱- استدلال کلامی پدر																					
۲- استدلال کلامی مادر	۰/۵۳**																				
۳- پرخاشگری کلامی پدر	۰/۲۰*	۰/۰۶																			
۴- پرخاشگری کلامی مادر	۰/۲۶**	۰/۰۷	۰/۸۰**																		
۵- پرخاشگری فیزیکی پدر	۰/۱۲	-۰/۰۳	۰/۶۲**	۰/۶۸**																	
۶- پرخاشگری فیزیکی مادر	۰/۱۴	۰/۰۱	۰/۵۲**	۰/۸۳**	۰/۹۰**																
۷- استدلال کلامی کل	۰/۸۱**	۰/۸۸**	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۰۶	۰/۰۸															
۸- پرخاشگری کلامی کل	۰/۲۶**	۰/۰۷	۰/۹۵**	۰/۹۵**	۰/۶۹**	۰/۶۶**	۰/۱۶														
۹- پرخاشگری فیزیکی کل	۰/۱۳	۰/۰۰۸	۰/۵۸**	۰/۸۳**	۰/۹۷**	۰/۹۷**	۰/۰۷	۰/۶۹**													
۱۰- ناسازگاری شخصی	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۲۵**	۰/۳۷**	۰/۳۶**	۰/۲۷**	۰/۱۷	۰/۳۳**	۰/۲۸**												
۱۱- خودپنداشت منفی	-۰/۰۲	-۰/۰۳	۰/۱۶	۰/۲۱*	۰/۳۱**	۰/۲۸**	-۰/۰۳	۰/۲۰*	۰/۳۰**	۰/۷۰**											
۱۲- اعتماد به نفس	۰/۰۲	۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۲۰*	۰/۲۴**	۰/۲۴**	۰/۰۷	۰/۱۵	۰/۲۵**	۰/۵۹**	۰/۶۸**										
۱۳- ناامیدی	-۰/۰۳	-۰/۰۱	۰/۱۰	۰/۱۷	۰/۲۱*	۰/۲۲**	۰/۰۳	۰/۱۴	۰/۷۵**	۰/۵۴**	۰/۷۱**	۰/۵۶**									
۱۴- افکار منفی خودآیند	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۱۸*	۰/۲۹**	۰/۳۴**	۰/۲۳**	-۰/۳۰	۰/۲۵**	۰/۲۶**	۰/۸۸**	۰/۹۱**	۰/۸۵**	۰/۸۵**								
۱۵- عدم پذیرش هیجان	-۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۹	۰/۱۸*	۰/۱۷*	-۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۱۸*	۰/۳۸**	۰/۳۶**	۰/۳۶**	۰/۳۵**								
۱۶- دشواری در رفتار هدفمند	۰/۰۹	-۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۱۰	۰/۱۴	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۳۰**	۰/۱۸*	۰/۱۹*	۰/۲۴**	۰/۲۳**							
۱۷- دشواری در کنترل تکانه	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۲۴**	۰/۳۰**	۰/۲۹**	۰/۲۷**	۰/۰۶	۰/۲۸**	۰/۲۸**	۰/۳۳**	۰/۳۳**	۰/۳۳**	۰/۲۵**	۰/۵۱**							
۱۸- فقدان آگاهی هیجانی	۰/۱۹*	۰/۰۹	-۰/۰۱	-۰/۰۱۳	-۰/۲۰*	-۰/۲۰*	۰/۱۶	۰/۰۹	-۰/۱۷*	۰/۱۷**	۰/۱۶*	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۲۶**	۰/۲۶**						
۱۹- دسترسی محدود به راهبردها	۰/۰۰۱	۰/۱۰	۰/۱۱	۰/۳۳**	۰/۲۰*	۰/۲۱*	۰/۰۵	۰/۱۸*	۰/۲۱*	۰/۳۵**	۰/۳۳**	۰/۱۹*	۰/۱۱	۰/۲۹**	۰/۲۹**	۰/۵۵**	۰/۲۹**				
۲۰- علم وضوح هیجانی	۰/۲۶*	۰/۲۲*	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۲۵**	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۱۸*	۰/۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۶	۰/۱۲	۰/۲۴**	۰/۲۵**	۰/۲۰*	۰/۳۳*	۰/۲۲*		

$$Y = 7/72 + 0/20X$$

درزمینه تاکتیک حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری کلامی با پدر، تنها ناسازگاری شخصی در پیش‌بینی پرخاشگری کلامی با پدر نقش دارد ( $p \leq 0/05$ )،  $\beta = 0/24$ ، معادله رگرسیون عبارت است از:

$$Y = 4/73 + 0/24X$$

درزمینه تاکتیک حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری کلامی با مادر، نتایج بیانگر این است که در گام اول ناسازگاری شخصی بیشترین نقش را داراست ( $\beta = 0/36$ ،  $p \leq 0/01$ )، در گام بعد فقدان آگاهی هیجانی ( $\beta = -0/20$ ،  $p \leq 0/01$ ) و در گام سوم، دشواری در کنترل تکانه وارد شده است ( $p \leq 0/01$ )،  $\beta = 0/22$ .

معادله رگرسیون عبارت است از:

$$Y = 2/90 + 0/36X1 - 0/20 X2 + 0/22 X3$$

همچنین درزمینه تاکتیک حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی با پدر، نتایج بیانگر این امر است که در گام نخست، ناسازگاری شخصی بیشترین نقش را داراست ( $\beta = 0/36$ ،  $p \leq 0/01$ )، در گام بعدی علاوه بر ناسازگاری شخصی، دشواری در کنترل تکانه، پیش‌بینی‌کننده پرخاشگری فیزیکی با پدر بوده ( $\beta = 0/19$ ،  $p \leq 0/02$ ) و در گام آخر فقدان آگاهی هیجانی به دو زیرمؤلفه قبلی اضافه شده است ( $\beta = -0/17$ ،  $p \leq 0/03$ )؛ بر این اساس معادله رگرسیون عبارت است از:

$$Y = 0/11 + 0/36X1 + 0/19 X2 - 0/17 X3$$

در زمینه تاکتیک حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی با مادر نیز نتایج بیانگر این است که در گام نخست، ناسازگاری شخصی ( $p \leq 0/0001$ )، در گام بعدی ( $\beta = 0/37$ ) پیش‌بینی‌کننده آن است و در گام بعدی فقدان آگاهی هیجانی اضافه شده است ( $p \leq 0/004$ )، در گام آخر نیز دشواری در کنترل

نتایج آزمون کالموگراف اسمیرنف به‌منظور بررسی مفروضه نرمال‌بودن توزیع متغیرهای پژوهش ( $p > 0/05$ ) بیانگر تأیید این مفروضه است. در روند اجرای هرکدام از مراحل مدل رگرسیون چندگانه گام به گام کلیه پیش‌فرض‌های موجود (آزمون دوربین واتسون برای بررسی استقلال خطاها، آزمون شاخص تحمل و عامل تورم واریانس برای بررسی هم خطی) بررسی شده است. نتایج، حاکی از رعایت این پیش‌فرض‌هاست. گزارش پیش‌فرض‌های مذکور در ادامه ارائه می‌شود. به‌منظور تبیین نقش ابعاد دشواری در تنظیم هیجان و افکار منفی خودآیند در تاکتیک‌های حل تعارض نوجوان و والدین از روش آماری رگرسیون گام به گام استفاده شده است. نتایج آزمون دوربین واتسون ( $2/03$ ) به‌منظور بررسی استقلال خطاها، آزمون شاخص تحمل ( $0/80$ ) و عامل تورم واریانس ( $1/21$ ) برای بررسی هم خطی متغیرهای پیش‌بین، بیانگر رعایت این مفروضه‌هاست. نتایج این تحلیل در جدول شماره ۳ ارائه شده است. همان‌گونه که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد برای پیش‌بینی تاکتیک حل تعارض مبتنی بر استدلال در برخورد با پدر از بین زیرمقیاس‌های دشواری در تنظیم هیجان و افکار منفی خودآیند، عدم وضوح هیجانی تنها متغیر مهم و معنادار است ( $p \leq 0/009$ )،  $\beta = 0/23$ ؛ به این ترتیب معادله رگرسیون برای استدلال در برخورد با پدر عبارت است از:

$$Y = 6/13 + 0/23X$$

درباره تاکتیک حل تعارض مبتنی بر استدلال در برخورد با مادر نیز عدم وضوح هیجانی تنها متغیر مهم و معنادار است ( $\beta = 0/20$ ،  $p \leq 0/001$ )؛ بنابراین معادله رگرسیون برای استدلال مادر به‌صورت ذیل است:

تکانه افزوده شده است ( $\beta = 0/17, p \leq 0/03$ ). معادله  $Y = 1/18 + 0/37X1 - 0/23 X2 + 0/17 X3$

رگرسیون عبارت است از:

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام، پیش‌بینی تاکتیک‌های حل تعارض نوجوان و والدین بر اساس دشواری در تنظیم هیجان و افکار منفی خودآیند

ملاک	گام	متغیر پیش‌بین	$\beta$	B	T	P	R	R <sup>2</sup>	F
استدلال پدر	اول	علم وضوح هیجانی	۰/۳۳	۰/۴۲	۲/۶۴	۰/۰۰۹	۰/۳۳	۰/۰۵	۶۹۷
	اول	علم وضوح هیجانی	۰/۳۳	۰/۳۹	۲/۶۷	۰/۰۰۱	۰/۳۳	۰/۰۲	۷/۱۳
پرخاشگری کلامی پدر	اول	ناسازگاری شخصی	۰/۲۴	۰/۲۴	۲/۸۵	۰/۰۰۵	۰/۲۴	۰/۰۶	۸/۱۲
	اول	ناسازگاری شخصی	۰/۳۶	۰/۳۶	۴/۳۸	۰/۰۰۰۱	۰/۳۶	۰/۱۳	۱۹/۲۰
پرخاشگری کلامی مادر	دوم	ناسازگاری شخصی	۰/۳۰	۰/۲۲	۳/۴۸	۰/۰۰۱	۰/۴۱	۰/۱۶	۱۲/۵۳
		فقدان آگاهی هیجانی	۰/۱۹	۰/۱۵	۲/۳۶	۰/۰۲	۰/۴۱	۰/۱۶	۱۲/۵۳
	سوم	ناسازگاری شخصی	۰/۳۰	۰/۳۰	۳/۶۰	۰/۰۰۰۱	۰/۴۶	۰/۲۱	۱۱/۳۰
		فقدان آگاهی هیجانی	-۰/۲۱	-۰/۱۹	-۲/۳۳	۰/۰۱	۰/۴۶	۰/۲۱	۱۱/۳۰
پرخاشگری فیزیکی پدر	اول	دشواری در کنترل تکانه	۰/۲۲	۰/۳۳	۲/۶۰	۰/۰۱	۰/۴۶	۰/۲۱	۱۱/۳۰
		ناسازگاری شخصی	۰/۳۶	۰/۳۷	۴/۳۹	۰/۰۰۰۱	۰/۳۶	۰/۱۳	۱۹/۳۱
	دوم	ناسازگاری شخصی	۰/۳۰	۰/۲۲	۳/۴۸	۰/۰۰۱	۰/۴۱	۰/۱۶	۱۲/۵۳
		دشواری در کنترل تکانه	۰/۱۹	۰/۱۵	۲/۳۶	۰/۰۲	۰/۴۱	۰/۱۶	۱۲/۵۳
سوم	ناسازگاری شخصی	۰/۳۰	۰/۳۳	۳/۶۱	۰/۰۰۰۱	۰/۴۶	۰/۲۰	۱۰/۱۴	
	دشواری در کنترل تکانه	-۰/۱۷	-۰/۱۲	-۲/۱۵	۰/۰۱	۰/۴۶	۰/۲۰	۱۰/۱۴	
پرخاشگری فیزیکی مادر	اول	ناسازگاری شخصی	۰/۳۷	۰/۳۰	۴/۴۷	۰/۰۰۰۱	۰/۳۷	۰/۱۳	۲۰
	دوم	ناسازگاری شخصی	۰/۳۸	۰/۳۱	۴/۷۵	۰/۰۰۰۱	۰/۴۴	۰/۱۹	۱۴/۸۹
		فقدان آگاهی هیجانی	-۰/۳۳	-۰/۱۷	-۲/۹۲	۰/۰۰۴	۰/۴۴	۰/۱۹	۱۴/۸۹
	سوم	ناسازگاری شخصی	۰/۳۲	۰/۳۶	۳/۸۸	۰/۰۰۰۱	۰/۴۷	۰/۲۲	۱۱/۸۰
	سوم	فقدان آگاهی هیجانی	-۰/۲۴	-۰/۱۸	-۳/۰۷	۰/۰۰۳	۰/۴۷	۰/۲۲	۱۱/۸۰
	سوم	دشواری در کنترل تکانه	-۰/۲۴	-۰/۱۸	-۳/۰۷	۰/۰۰۳	۰/۴۷	۰/۲۲	۱۱/۸۰

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش دشواری در تنظیم هیجانی و افکار خودآیند منفی در تاکتیک‌های حل تعارض نوجوان و والدین صورت گرفته است. نتایج تحلیل رگرسیونی گام به گام در زمینه تاکتیک حل تعارض مبتنی بر استدلال نشان می‌دهد عدم وضوح هیجانی که یکی از ابعاد دشواری در تنظیم هیجان به

شمار می‌رود، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده استفاده از استدلال به منزله تاکتیک حل تعارض در برخورد با پدر و مادر در نوجوانان باشد. عدم وضوح هیجانی به ابهام در نام‌گذاری و تمایز بین هیجان‌ها و پیام‌های انگیزشی نهفته در آنها اشاره دارد (خانزاده و همکاران، ۱۳۹۱). وضوح هیجانی به معنای توانایی تشخیص، افتراق و درک هیجان‌هاست. در تبیین

برقراری روابط سازگارانه در ذهن نوجوانان ایجاد می‌کند. فعال‌شدن این باور منفی زمینه‌ساز افزایش استفاده از پرخاشگری کلامی در تعارضات نوجوانان با پدر می‌شود؛ زیرا نوع نگرش و تفکر فرزندان پیش‌بینی‌کننده پرخاشگری و تعارض میان والدین و فرزندان است (رودریگز و همکاران، ۲۰۱۶<sup>۴</sup>).

همچنین نتایج تحقیق در زمینه تاکتیک حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری کلامی با مادر نشان می‌دهد به ترتیب متغیرهای ناسازگاری شخصی (از ابعاد افکار ناخودآیند منفی)، فقدان آگاهی هیجانی و دشواری در کنترل تکانه (از ابعاد دشواری در تنظیم هیجانی) اهمیت دارند. همان‌گونه که در زمینه تاکتیک حل تعارض پرخاشگری کلامی با پدر مطرح شد، فعال‌شدن باور منفی مبتنی بر ناتوانی در برقراری روابط سازگارانه (ناسازگاری شخصی) در ذهن نوجوان به افزایش استفاده از تاکتیک پرخاشگری کلامی در هنگام بروز تعارض منجر می‌شود. نکته‌ای که لازم است در اینجا به آن اشاره شود، این است که نوجوانان پسر در مواجهه با تعارضاتی که بین آنها و مادرشان ایجاد می‌شود، در برخورد با مادر بیشتر از زمانی که با پدر در تعارض‌اند، از تاکتیک پرخاشگری کلامی استفاده می‌کنند؛ از این رو می‌توان گفت از آنجا که پرخاشگری کلامی و رابطه‌ای در خانم‌ها بیشتر است (برک، ۱۳۸۸)، در هنگام بروز تعارضات در تعامل مادران با فرزندان از پرخاشگری کلامی بیشتری استفاده می‌شود. علاوه بر ناسازگاری شخصی، در تاکتیک حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری با مادر، فقدان آگاهی هیجانی تأثیر منفی دارد؛ به این معنا که نوجوانان پسری که در آگاهی هیجانی ضعف دارند، کمتر درگیر پرخاشگری کلامی

این یافته باید گفت نوجوانان به دلیل تغییرات فکری و جسمی شدید و ناگهانی خود قادر به تمایز در هیجان‌ها نیستند و دچار ابهام و سردرگمی می‌شوند؛ بنابراین برای رفع ابهام در هنگام بروز تعارض با پدر و مادر از راهبرد مبتنی بر استدلال استفاده می‌کنند؛ همچنین والدین به هنگام ناتوانی در تشخیص هیجان در نوجوانان از عبارات‌های استدلالی استفاده می‌کنند. در این زمینه عسگری و صفرزاده (۱۳۹۳) نشان داده‌اند افرادی که در تنظیم هیجانی توانایی زیادی دارند، از استدلال به‌منزله راهبردی برای حل تعارض خود با والدین استفاده می‌کنند.

نتایج تحقیق درباره تاکتیک حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری کلامی با پدر نشان می‌دهد تنها ناسازگاری شخصی از ابعاد افکار خودآیند منفی دارای نقشی تأثیرگذار است. در این تاکتیک، نوجوان برای حل تعارض خود با پدر از پرخاشگری کلامی استفاده می‌کند. افکار خودآیند منفی، زمانی که فرد در چارچوب ذهنی منفی قرار دارد، سریعاً به‌طور خودکار و غیرارادی به ذهن می‌آیند. با توجه به اینکه افکار خودآیند منفی می‌توانند با وقایع بیرونی یا درونی برانگیخته شوند (بک و همکاران، ۱۹۷۹<sup>۱</sup>)، در تبیین این یافته می‌توان گفت نوجوانان با تغییرات فیزیولوژیکی، نیاز به استقلال، فشارهای تحصیلی و نوسان در روابط اجتماعی مواجه‌اند و این امر اغلب با افزایش عکس‌العمل‌های هیجانی و استرس همراه است (هیل و همکاران، ۲۰۱۱<sup>۲</sup>؛ احمد و همکاران، ۲۰۱۵<sup>۳</sup>). این چالش‌های درونی و بیرونی با فراخوانی افکار خودآیند منفی مبتنی بر ناسازگاری شخصی، چارچوب ذهنی منفی‌ای را در زمینه ناتوانی برای

<sup>1</sup> Beck et al

<sup>2</sup> Hilt et al

<sup>3</sup> Ahmed et al

<sup>4</sup> Rodriguez et al

با مادر می‌شوند. فقدان آگاهی هیجانی را می‌توان ناتوانی در شناسایی و توصیف هیجانات خود و دیگران دانست (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ همچنین فقدان آگاهی هیجانی، پذیرفتن هیجانات خود و دیگران را در بر می‌گیرد؛ بنابراین نوجوانانی که در شناسایی هیجانات خود و دیگران ضعف دارند، در زمینه هیجانات خود و دیگران دارای حساسیت چندانی نیستند؛ از این رو کمتر درگیر پرخاشگری کلامی می‌شوند. براساس نتایج این پژوهش باید گفت مادران هنگامی که اشکال نوجوان را در شناسایی هیجانات متوجه می‌شوند، کمتر درگیر پرخاشگری کلامی می‌گردند. در زمینه نقش دشواری در کنترل تکانه در پرخاشگری کلامی با مادر باید گفت نوجوانان پسری که در کنترل تکانه مشکلات زیادی دارند، بیشتر از پرخاشگری کلامی استفاده می‌کنند. منظور از دشواری در کنترل تکانه این است که زمانی که فرد در حال تجربه کردن هیجان‌های منفی است، بر رفتارهای شخصی خود کنترل ندارد (پولک و همکاران، ۲۰۱۶)؛ بنابراین از آنجا که دوره نوجوانی با تغییرات سائق‌ها و وسوسه‌ها همراه است، ناتوانی نوجوان در کنترل این سائق‌ها باعث افزایش دشواری در کنترل تکانه و پرخاشگری کلامی در تعارض میان نوجوان و مادر می‌شود. هرچه میزان ناتوانی در کنترل تکانه بیشتر باشد، بیشتر به پاسخ‌های نادرست منجر می‌شود (نریمانی، ۱۳۹۱) و با پاسخ‌ها، انتقادات تند و کنایه‌آمیز پرخاشگری کلامی با مادر همراه است.

به‌علاوه نتایج تحقیق در زمینه تاکتیک حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی با پدر گویای این امر است که به‌ترتیب اولویت متغیرهای

ناسازگاری شخصی، دشواری در کنترل تکانه و فقدان آگاهی هیجانی دارای اهمیت‌اند. در واقع فعال‌شدن باور منفی در زمینه ناتوانی فرد در برقراری ارتباط با دیگران، زمینه افزایش رفتارهای پرخاشگرانه فیزیکی را فراهم می‌کند؛ زیرا افکار خودآیند منفی با تمرکز بر خود فرد، تجارب فرد و آینده فرد احساس درماندگی و سرزنش خود را در نوجوان ایجاد می‌کند و این امر باعث بروز پرخاشگری فیزیکی در هنگام تعارض بین پدر و نوجوان می‌شود. در این باره زارب<sup>۲</sup> (۱۳۸۶) بیان می‌کند در خانواده‌هایی که تعارض‌های شدیدی وجود دارد، الگوهای شناختی نادرستی مانند تفسیر منفی از وقایع مشاهده می‌شود که به‌نوبه خود بروز عواطف خشونت‌آمیز را در پی دارد؛ بنابراین رفتار پرخاشگرانه ممکن است از ناتوانی روانی فرد در حل مسائل تأثیر بگیرد (شکیبایی و همکاران، ۱۳۸۳)؛ همچنین دشواری در کنترل تکانه بر استفاده نوجوان از پرخاشگری فیزیکی با پدر نقش تأثیرگذاری دارد. در تبیین این یافته باید به نقشی که کنترل ارادی در کاهش پرخاشگری آشکار ایفا می‌کند (دان و مارینی، ۲۰۱۴)، توجه کرد؛ زیرا کنترل ارادی با راهبردهای هوشیارانه و ارادی، مانند صبرکردن و اندیشیدن به پیامدهای عمل قبل از انجام آن، مانع از غلبه تکانه می‌شود؛ به این ترتیب فرد پاسخ‌های دیگر را هم در نظر می‌گیرد (ایسنبرگ و همکاران، ۲۰۱۰)؛ پس نوجوانی که در کنترل تکانه با دشواری مواجه است، سریع‌تر ناامید می‌شود و به‌صورت واکنشی، رفتار بی‌باکانه نشان می‌دهد؛ در نتیجه برای پاسخ پرخاشگرانه مستقیم (پرخاشگری فیزیکی) نسبت به اجتناب از مواجهه با

<sup>2</sup> Zarb

<sup>3</sup> Dan & Marini

<sup>4</sup> Eisenberg et al

<sup>1</sup> Pollock et al

شخصی، دشواری در کنترل تکانه و فقدان وضوح هیجانی است و تنها تفاوت بین پرخاشگری با پدر و مادر اولویت‌بندی متغیرهای دشواری در کنترل تکانه و فقدان وضوح هیجانی است؛ به این ترتیب که در پرخاشگری فیزیکی با پدر، دشواری در کنترل تکانه نسبت به فقدان وضوح هیجانی اهمیت بیشتری دارد؛ ولی در پرخاشگری فیزیکی با مادر اهمیت فقدان وضوح هیجانی بیشتر از دشواری در کنترل تکانه است. در تبیین این یافته پژوهش لازم است به تفاوت جنسیتی نیز توجه شود. باتوجه‌به اینکه مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر نوجوانان پسر بودند، موضوع تفاوت جنسیتی می‌تواند در تعامل مادر-نوجوان متغیر مهمی محسوب شود؛ زیرا زنان نسبت به مردان در موقعیت‌های فشارزا از سبک‌های هیجان‌مدار بیشتری استفاده می‌کنند (متیود، ۲۰۰۴<sup>۳</sup>). بر همین اساس اهمیت شناسایی و تشخیص هیجان‌ها برای بروز رفتار پرخاشگرانه فیزیکی، در هنگام بروز تعارض بین نوجوان پسر و مادر نسبت به زمانی که تعارض بین نوجوان پسر و پدر رخ می‌دهد، بیشتر است.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش تمرکز بر نوجوانان پسر است که تعمیم‌یافته‌ها به هر دو جنس و جمعیت بالینی را با محدودیت همراه می‌کند؛ همچنین باید گفت مطالعه حاضر از نوع هم‌بستگی است و این امر، نتیجه‌گیری علت و معلولی را با دشواری روبه‌رو می‌کند؛ به‌علاوه در این پژوهش از پرسش‌نامه‌های خودگزارشی استفاده شده است که ممکن است با بی‌دقتی جواب داده شوند؛ از این رو توصیه می‌شود در تحقیقات بعدی از مصاحبه استفاده شود و بر نوجوانان دختر و گروه‌های سنی و فرهنگی

موقعیت، آمادگی بیشتری دارد (روثبارت، ۲۰۱۱<sup>۱</sup>). این یافته را می‌توان هم‌راستا با نتایج پژوهش ولز و پاپاجورجیو<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) در نظر گرفت که نشان دادند پسران راهبرد فراشناختی منفی بیشتری مبتنی بر کنترل‌ناپذیری و خطر دارند. متغیر دیگری که بر استفاده نوجوان از تاکتیک حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی با پدر تأثیر می‌گذارد، فقدان آگاهی هیجانی است. فقدان آگاهی هیجانی یکی از انواع دشواری در تنظیم هیجان است و ناتوانی نوجوان را در شناسایی هیجان‌ها خود و دیگران نشان می‌دهد. این متغیر براساس نتایج پژوهش حاضر در پرخاشگری فیزیکی با پدر نقش منفی دارد؛ به این معنا که نوجوانان پسر که در شناسایی و تشخیص هیجان‌ها خود و والدین خود ضعف دارند، کمتر درگیر پرخاشگری فیزیکی با پدر می‌شوند. در این زمینه سروود و دانش‌پور (۱۳۸۹) نشان دادند نوجوانان پرخاشگر معمولاً نمی‌توانند رفتار خود را مهار کنند و در خواندن نشانه‌های هیجانی و درک دیدگاه‌های دیگران مشکل دارند؛ همچنین افرادی که وضوح هیجانی ضعیفی دارند، در تشخیص هیجان‌ها خود و دیگران ناتوان‌اند و در هنگام مواجهه با مسائل دچار آشفتگی می‌شوند. این امر باعث می‌شود در انتخاب راهبردهای هیجانی سازگارانه توانایی محدودی داشته باشند (قدیری ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۴). نتایج تحقیق درباره تاکتیک حل تعارض پرخاشگری فیزیکی با مادر نیز نشان می‌دهد به ترتیب متغیرهای ناسازگاری شخصی، فقدان وضوح هیجانی و دشواری در کنترل تکانه دارای اهمیت‌اند. همان‌گونه که ذکر شد، الگوی متغیرهای مهم در زمینه پرخاشگری فیزیکی با پدر نیز متغیرهای ناسازگاری

<sup>1</sup> Rothbart<sup>2</sup> Wells & Papageorgiou<sup>3</sup> Matud

پرورش شهر شیراز، مطالعات روان‌شناختی، ۱۱ (۱)، صص ۷۵-۹۶.

امیریان، کامران؛ مامی، شهرام؛ احمدی، وحید و محمدزاده، جهان‌شاه (۱۳۹۷)، اثربخشی روان‌درمانی گروهی مبتنی بر درمان پذیرش و تعهد بر دشواری در تنظیم هیجان و تحمل پریشانی در سوء‌مصرف‌کنندگان مواد، آموزش و سلامت جامعه، ۵ (۲)، صص ۵۳-۶۱.

اکبری زردخانه، سعید و محمودی، مریم (۱۳۹۴)، تأثیر آموزش برنامه تحول نوجوانان به والدین بر ارتباط والد-فرزند و کارکرد خانوادگی، تحول روان‌شناختی کودک، ۲ (۲)، صص ۴۷-۵۷.

برجعی، احمد (۱۳۹۲)، اثربخشی درمان شناختی-مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر کاهش تعارضات والد-فرزندی در نوجوانان، علوم رفتاری، ۷ (۱)، صص ۱-۶.

بشارت، محمدعلی؛ دهقانی، سپیده؛ مسعودی، مرضیه؛ پورخاقان، فاطمه و مطهری، سجاد (۱۳۹۳)، پیش‌بینی نشانه‌های اختلال وسواس فکری-عملی براساس دشواری در تنظیم هیجان، تکانشوری و خشم، پژوهش‌های کاربردی، ۵ (۴)، صص ۲۹-۴۹.

پناغی، لیلی؛ دهقانی، محسن؛ عباسی، مریم؛ محمدی، سمیه و ملکی، قیصر (۱۳۹۰)، بررسی پایایی، روایی و ساختار عاملی مقیاس تجدیدنظرشده تاکتیک‌های حل تعارض، خانواده‌پژوهی، ۷ (۲۵)، صص ۱۰۲-۱۱۷.

حصار، سیداسلام؛ نیکدل، فریبرز و خرامین، شیرعلی (۱۳۹۳)، اثربخشی آموزش تکنیک‌های شناختی-رفتاری بر استرس، اضطراب، افسردگی و تعلل

مختلف تمرکز شود. در نهایت باید گفت براساس نتایج این پژوهش هم دشواری در تنظیم هیجانی و هم افکار خودآیند منفی در استفاده از تاکتیک‌های حل تعارض نوجوان در مقابل والدین نقش ایفا می‌کنند. لازم است خاطرنشان کرد پژوهش حاضر روی گروهی از دانش‌آموزان پسر بهنجار انجام شد. شایان ذکر است یافته‌های حاصل از این تحقیق در هر دو حیطه نظری و عملی بررسی‌پذیر است. از جنبه نظری توجه به نقش عوامل شناختی (افکار خودآیند منفی) و عاطفی (دشواری در تنظیم هیجانی) به صورت هم‌زمان در تبیین تاکتیک‌های حل تعارض نوجوانان جای تأمل دارد. این نکته می‌تواند راهگشای تحقیقات بعدی برای شناخت چندجنبه مشکلات رفتاری دوره نوجوانی شود. در حیطه کاربردی نیز می‌توان با شناسایی دشواری‌های افراد در تنظیم هیجانی و ارتقای توانایی نوجوانان در مدیریت هیجانات خود و آگاه‌کردن آنها از فعال‌شدن افکار خودآیند منفی اقداماتی مانند مداخلات آموزشی انجام داد. همچنین آموزش به خانواده‌ها و والدین در زمینه دشواری‌هایی که نوجوانان در تنظیم هیجانات خود و اجتناب از افکار خودآیند منفی با آنها مواجه‌اند، می‌تواند به بهبود روابط والدین-نوجوان کمک کند؛ از این رو برای بهبود کیفیت رابطه والد و فرزند توصیه می‌شود از آموزش‌های تنظیم هیجان برای نوجوان و والدین، تحلیل محاوره‌ای و مرور افکار خود برای نوجوانان استفاده شود.

## منابع

اسدی، الهه؛ جاویدی، حجت‌الله و قاسمی، نوشاد (۱۳۹۴)، رابطه تعارض والد-نوجوان، تاب‌آوری با مشکلات روان‌شناختی نوجوانان مقطع دوم و سوم راهنمایی در مناطق چهارگانه آموزش و

تنظیم هیجان در دوران نوجوانی، مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ۲۵ (۱۰)، صص ۹۲۲-۹۳۰.

سروقد، سیروس؛ دانش‌پور، آیدا (۱۳۸۹)، رابطه راهبردهای فراشناختی با پرخاشگری و شیوه‌های مقابله با استرس دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی شهر شیراز، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱ (۲)، صص ۲۵-۴۴.

شفیعی، زهره (۱۳۹۱)، مقایسه اثربخشی گروه‌درمانی تحلیلی رفتار متقابل و واقعیت‌درمانی گروهی بر کاهش بحران هویت و کاهش تعارضات والدین-نوجوانان در دانش‌آموزان دختر شهر نیشابور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، استاد راهنما: دکتر بهرام‌علی قنبری هاشم‌آبادی.

شکیبایی، فرشته؛ تهرانیدوست، مهدی؛ شهریور، زهرا و آثاری، شروین (۱۳۸۳)، گروه‌درمانی مدیریت خشم با رویکرد شناختی-رفتاری در نوجوانان مؤسسه‌ای، تازه‌های علوم شناختی، ۶ (۱-۲)، صص ۶۶-۵۹.

صادقی، الهه؛ قربان شیرویدی، شهره؛ ترخان، مرتضی و کیهانیان، شهربانو (۱۳۹۶)، تأثیر درمان تصویرسازی ذهنی دستوری و بازپردازش بر افکار خودآیند منفی و نگرش‌های ناکارآمد زنان مبتلا به سرطان، شناخت اجتماعی، ۶ (۲)، صص ۱۶۴-۱۸۰.

ضرغام بروجنی، علی؛ یزدانی، محسن و یزدان‌نیک، احمدرضا (۱۳۸۰)، ارتباط الگوی رفتاری والدین با افسردگی و افکار خودکشی در نوجوانان، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ۳ (۲)، صص ۴۶-۵۴.

دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه، ارمغان دانش، ۱۹ (۱۲)، صص ۱۱۰۵-۱۱۱۷.

خانزاده، مصطفی؛ سعیدیان، محسن؛ حسین‌چاری، مسعود و ادیسی، فروغ (۱۳۹۱)، ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس دشواری در نظم‌بخشی هیجانی، علوم رفتاری، ۶ (۱)، صص ۲۴-۳۳.

دلاور، علی (۱۳۸۰)، مبانی نظری پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: رشد، چاپ سوم. زابلی، پریسا؛ ثنایی ذاکر، باقر و حمیدی، منصورعلی (۱۳۸۴)، سنجش سودمندی روش روان‌نمایشگری در بهبود مهارت‌های رفع تعارض مادران با دختران دانش‌آموز سال اول دبیرستان منطقه دو تهران، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۴ (۱۳)، صص ۸۱-۹۸.

زارب، ژانت (۱۳۸۶)، ارزیابی و شناخت رفتاردرمانی نوجوانان، ترجمه محمد خدایاری فرد و یاسمین عابدینی، تهران: رشد، چاپ اول.

زاهد، عادل؛ اله‌قلیلو، کلثوم؛ ابوالقاسمی، عباس و نریمانی، محمد (۱۳۸۹)، ارتباط بین راهبردهای تنظیم هیجان و رفتار بین‌فردی در سوء مصرف‌کنندگان مواد، اعتیاد پژوهی، ۳ (۱۱)، صص ۹۹-۱۱۳.

سالار، طیبه؛ پورحسین، رضا؛ بشارت، محمدعلی و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۹۲)، اثربخشی روش مرور خود بر افکار خودکار منفی در زنان افسرده، علوم شناختی، ۱۲ (۴۸)، صص ۵۲۸-۵۴۱.

سپهریان آذر، فیروزه؛ اسدی مجره، سامره؛ اسدنیای سعید و فرنودی، لیدا (۱۳۹۳)، رابطه سبک‌های دل‌بستگی و راهبردهای مقابله‌ای با دشواری‌های

- عسگری، پرویز و صفرزاده، سحر (۱۳۹۳)، رابطه تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان، *روانشناسی دین*، ۷ (۱)، صص ۸۲-۹۵.
- قدیری ذبیحی، سمیه؛ ابوالقاسمی، عباس و آقاجانی، سیفالله (۱۳۹۴)، مقایسه سیستم بازداری-فعال‌سازی رفتاری و وضوح هیجانی در دانش‌آموزان با و بدون تجربه تروماتیک، *روانشناسی مدرسه*، ۴ (۲)، صص ۶۹-۸۸.
- قمری، محمد و قمری گندوانی، آرزو (۱۳۹۳)، رابطه ابعاد عملکرد خانواده با تعارض والد-نوجوان در بین دانش‌آموزان مقطع راهنمایی، *فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۸ (۲۶)، صص ۱۵۷-۱۷۴.
- کریمی، امیر (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر افکار خودآیند منفی و عزت نفس بر استعداد اعتیاد در دانش‌آموزان پسر، *روانشناسی*، ۷ (۷)، صص ۵۱-۶۲.
- کریمی، خبات؛ نظری، علی محمد و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۲)، اثربخشی مشاوره راه‌حل‌محور به شیوه گروهی بر کاهش تعارضات والد-فرزندی در نوجوانان، *مشاوره کاربردی*، ۳ (۱)، صص ۷۷-۹۲.
- کیمیایی، علی (۱۳۸۱)، بررسی و مقایسه کارآمدی شناخت‌درمانی بک با شناخت‌درمانی تیزدل و تلفیق آن با نرمش‌های یوگا و درمان افسردگی اساسی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، استاد راهنما: دکتر عبدالله شفیع‌آبادی.
- گل‌پرور، محسن و جوادی، سارا (۱۳۸۵)، الگوی ارتباطی بین باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با شاخص‌های بهداشت روانی: الگوی معادلات ساختاری، *اصول بهداشت روانی*، ۸ (۳۱) و (۳۲)، صص ۱۰۹-۱۲۲.
- لورا ای برک (۱۳۸۸)، روانشناسی رشد (از نوجوانی تا پایان بزرگ‌سالی)، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران. چاپ سیزدهم.
- محمدی، نرگس؛ علی‌پور، احمد؛ دقاق‌زاده، حامد و فرزاد، ولی‌الله (۱۳۹۳)، مقایسه دشواری‌های تنظیم هیجان در بیماران مبتلا به سندروم روده تحریک‌پذیر با توجه به دست برتری. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۲ (۴)، صص ۱-۱۲.
- مرادی، امید؛ عارفی، مختار و محسن‌زاده، فرشاد (۱۳۸۸)، تعارضات والد-فرزند و سلامت روان‌شناختی در دانشجویان، *مجموعه مقالات همایش سلامت روان‌شناختی، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه*.
- مظلوم، مریم؛ یعقوبی، حمید و محمدخانی؛ شهرام (۱۳۹۳)، رابطه باورهای فراشناختی در تنظیم هیجان با اختلال استرس پس از ضربه، *علوم رفتاری*، ۸ (۲)، صص ۱۰۵-۱۱۳.
- نریمانی، محمد (۱۳۹۱)، اثربخشی آموزش کنترل تکانه بر پردازش هیجانی، تکانشوری و حواس‌پرتی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال ریاضی، *ناتوانی‌های یادگیری*، ۲ (۲)، صص ۱۰۱-۱۲۲.
- نصیری، محمود؛ تفاق، محمدرضا؛ مقصودی، جهانگیر و حسن‌زاده، اکبر (۱۳۸۰)، بررسی مقایسه مشکلات ارتباطی نوجوانان با والدین از دیدگاه نوجوانان و والدین در دبیرستان‌های منتخب دولتی شهر اصفهان، *دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، ۳ (۲)، صص ۳۱-۳۸.
- Adams, L. J. (2008). A Confirmatory Factor Analysis of the Difficulties in Emotion Regulation Scale. A dissertation for the

- Annual Review of Clinical Psychology*, 6, 495–525.
- Fischer, J., Corcoran, K. (1994). *measures for clinical practice*. A source book. The free press United State.
- Flynn, E. B. (2016). *Emotional and Behavioral Problems in Development: The Role of Implicit Theories of Emotion* (Doctoral dissertation, University of California, Irvine).
- Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of psychopathology and behavioral assessment*, 26(1), 41-54.
- Hilt, L. M., Hanson, J. L., & Pollak, S. D. (2011). Emotion Dysregulation. *Encyclopedia of Adolescence*, 3. 160-169.
- Hjemdal, O., Stiles, T., & Wells, A. (2013). Automatic thoughts and metacognition as predictors of depressive or anxious symptoms: a prospective study of two trajectories. *Scandinavian journal of psychology*, 54(2), 59-65.
- Hollon, S.D., Kendall, P.C. (1980). Cognitive self-statements in depression: Development of an automatic thoughts questionnaire. *Cognitive Therapy and Research*, 4(4), 383-395.
- Kiel, E. J., & Kalomiris, A. E. (2015). Current themes in understanding children's emotion regulation as developing from within the parent-child relationship. *Current opinion in psychology*, 3, 11-16.
- Marici, M. (2016). Psycho-Behavioral Consequences of Parenting Variables in Adolescents. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 187, 295-300.
- Matud, P. M. (2004). Gender differences in stress and coping style. *Personality and Individual Differences*, 37, 1401-1415.
- Moed, A., Gershoff, E. T., Eisenberg, N., Hofer, C., Losoya, S., Spinrad, T. L., & Liew, J. (2015). Parent-Adolescent Conflict as Sequences of Reciprocal Negative Emotion: Links with Conflict Resolution and Adolescents' Behavior Problems. *Journal of youth and adolescence*, 44(8), 1607-1622.
- Doctor of philosophy. Southern Illinois University Carbondale.
- Ahmed, S. P., Bittencourt-Hewitt, A., & Sebastian, C. L. (2015). Neurocognitive bases of emotion regulation development in adolescence. *Developmental cognitive neuroscience*, 15, 11-25.
- Aldao, A., Nolen-Hoeksema, S., & Schweizer, S. (2010). Emotion regulation strategies across psychopathology: A meta-analytic review. *Clinical Psychology Review*, 30, 217–237.
- Beck, A. T. (1983). Cognitive therapy of depression: New perspectives. *Treatment of depression: Old controversies and new approaches*.
- Beck, A. T., Rush, A. J., Shaw, B. F., & Emery, G. (1979). *Cognitive therapy of depression*. New York; Guildford.
- Branje, S. (2018). Development of parent-adolescent relationships: Conflict interactions as a mechanism of change. *Child Development Perspectives*.
- Compas, B. E., Jaser, S. S., Bettis, A. H., Watson, K. H., Gruhn, M. A., Dunbar, J. P., ... & Thigpen, J. C. (2017). Coping, Emotion Regulation, and Psychopathology in Childhood and Adolescence: A Meta-Analysis and Narrative Review.
- Dane, A. V., & Marini, Z. A. (2014). Overt and relational forms of reactive aggression in adolescents: Relations with temperamental reactivity and self-regulation. *Personality and Individual Differences*, 60, 60–66.
- De Goede, I. H., Branje, S. J., & Meeus, W. H. (2009). Developmental changes in adolescents' perceptions of relationships with their parents. *Journal of Youth and Adolescence*, 38(1), 75-88.
- Du, X., Luo, W., Shen, Y., Wei, D., Xie, P., Zhang, J., ... & Qiu, J. (2015). Brain structure associated with automatic thoughts predicted depression symptoms in healthy individuals. *Psychiatry Research: Neuroimaging*, 232(3), 257-263.
- Dumontheil, I. (2015). Development of the social brain during adolescence. *Psicología Educativa*, 21(2), 117-124.
- Eisenberg, N., Spinrad, T. L., & Eggum, N. D. (2010). Emotion-related self-regulation and its relation to children's maladjustment.

- (2014). The mediator role of ruminative thinking style in the relationship between dysfunctional attitudes and depression. *Comprehensive psychiatry*, 55(7), 1556-1560.
- Staats, S., van der Valk, I. E., Meeus, W. H., & Branje, S. J. (2018). Longitudinal Transmission of Conflict Management Styles Across Inter-Parental and Adolescent Relationships. *Journal of Research on Adolescence*, 28(1), 169-185.
- Van der Giessen, D., Branje, S., Keijsers, L., Van Lier, P. A., Koot, H. M., & Meeus, W. (2014). Emotional variability during mother-adolescent conflict interactions: Longitudinal links to adolescent disclosure and maternal control. *Journal of adolescence*, 37(1), 23-31.
- Van Doorn, M. D., Branje, S. J., & Meeus, W. H. (2011). Developmental changes in conflict resolution styles in parent-adolescent relationships: A four-wave longitudinal study. *Journal of youth and adolescence*, 40(1), 97-107.
- Wells, A. & Papageorgiou, C. (1998). Relationships between worry, obsessive compulsive symptoms and met cognitive beliefs. *Behavior Research and Therapy*, 36, 899-913.
- Yau, J. & Smetana, J. (2003). Adolescent-parent conflict in Hong Kong and Shenzhen: A comparison of youth in two cultural contexts. *International Journal of Behavioral Development*, 27(3), 201-211.
- Ozer, E. A., & Akgun, O. E. (2015). The Effects of Irrational Beliefs on Academic Motivation and Academic Self-efficacy of Candidate Teachers of Computer and Instructional Technologies Education Department. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 197, 1287-1292.
- Pollock, N. C., McCabe, G. A., Southard, A. C., & Zeigler-Hill, V. (2016). Pathological personality traits and emotion regulation difficulties. *Personality and Individual Differences*, 95, 168-177.
- Rodriguez, C. M., Baker, L. R., Pu, D. F., & Tucker, M. C. (2017). Predicting Parent-Child Aggression Risk in Mothers and Fathers: Role of Emotion Regulation and Frustration Tolerance. *Journal of Child and Family Studies*, 1-10.
- Rodriguez, C. M., Smith, T. L., & Silvia, P. J. (2016). Multimethod prediction of physical parent-child aggression risk in expectant mothers and fathers with Social Information Processing theory. *Child abuse & neglect*, 51, 106-119.
- Rothbart, M. K. (2011). *Becoming who we are: Temperament and personality in development*. NY: Guilford.
- Schäfer, J. Ö., Naumann, E., Holmes, E. A., Tuschen-Caffier, B., & Samson, A. C. (2017). Emotion regulation strategies in depressive and anxiety symptoms in youth: a meta-analytic review. *Journal of youth and adolescence*, 46(2), 261-276.
- Şenormancı, Ö., Yılmaz, A. E., Saraçlı, Ö., Atasoy, N., Şenormancı, G., & Atik, L.